

پرش ها و پانچ ها

پایگاه اطلاع رسانی دفتر منصوبه‌ها شیخ خراسانی حفظه الله تعالى

موضوع:

۱. عقاید؛ شناخت خداوند (وجود، صفات و افعال)
۲. عقاید؛ شناخت ایمان و کفر؛ ادیان، مذاهب و فرقه‌ها

بسم الله الرحمن الرحيم

پرسش

نویسنده: حسین حسینی

تاریخ: ۱۳۹۶/۶/۱۸

عدد هفت چه نقشی در زندگی روزمره‌ی انسان‌ها یا در آفرینش دارد؟

پاسخ

تاریخ: ۱۳۹۶/۶/۲۴

عدد هفت از دیرباز در میان اقوام و مذاهب مختلف دارای اهمّیت خاصّی بوده و این در باور آن‌ها به هفت تا بودن چیزهایی مهم یا مقدّس نمود یافته است. هفت روز هفته، هفت رنگ اصلی، هفت اقلیم، هفت سیّاره، هفت طبقه‌ی آسمان و زمین در میان بابلیان، هفت بار زنده شدن انسان در آیین برهما، هفت امشاسپند در آیین زرتشت، هفت روح پلید و هفت گناه کبیره در میان مسیحیان، هفت وادی سلوک در تصوف، هفت پله‌ی آرامگاه **ذو القرنین** در پاسارگاد، هفت انسان نقش شده بر سردر آرامگاه داریوش هخامنشی، هفت خان رستم در شاهنامه و موارد فراوان دیگری از این دست، همگی نشان از قدمت و شیوع این باور در میان اقوام و مذاهب مختلف دارند؛ همچنانکه خبر از هفت تا بودن چیزهایی مهم یا مقدّس در کتاب‌های آسمانی، وجود اصلی برای آن را تأیید می‌کند؛ چراکه به عنوان نمونه در تورات آمده است: «و خدا در روز هفتم، کار خویش را به پایان رسانید؛ پس او در هفتمین روز، از همه‌ی کار خویش بیاسود و خدا روز هفتم را مبارک خواند و آن را مقدّس شمرد، چراکه در آن روز از همه‌ی کار خویش که خدا آفریده و ساخته بود، بیاسود»^۱ و آمده است: «آن گاه خداوند به او گفت: >در این صورت، هر که قائن را بکشد، از او هفت چندان انتقام گرفته خواهد شد»^۲ و آمده است: «اگر برای قائن هفت چندان انتقام گرفته شود، برای لَمِک، هفتاد و هفت چندان»^۳ و آمده است: «آن گاه خداوند به نوح گفت:

۱. پیدایش، ۳ و ۲:۲

۲. پیدایش، ۴:۱۵

۳. پیدایش، ۴:۲۴



> تو و همه‌ی اهل خانه‌ات به کشتی درآیید؛ زیرا تو را در این عصر در حضور خود پارسا دیدم. از همه‌ی چارپایان طاهر، هفت جفت، نر و ماده، با خود بگیر، و از چارپایان نجس، یک جفت، نر و ماده و نیز از پرندگان آسمان هفت جفت، نر و ماده، تا نسل آن‌ها را بر روی تمام زمین زنده نگاه داری. زیرا من پس از هفت روز، چهل روز و چهل شب باران بر زمین خواهم بارانید، و هر موجودی را که ساخته‌ام از روی زمین محو خواهم کرد»^۱ و آمده است: «در روز هفدهم از ماه هفتم، کشتی بر کوه‌های آرات قرار گرفت»^۲ و آمده است: «ابراهیم هفت بره‌ی ماده از گله جدا کرد، و آبیملیک به ابراهیم گفت: <این هفت بره‌ی ماده که جدا کردی، چیست؟> او پاسخ داد: <این هفت بره‌ی ماده را از دست من بپذیر، تا شهادتی باشد بر این که من این چاه را کنده‌ام> پس آن مکان را بِئِشْبَع نامید؛ زیرا که آن دو مرد در آنجا برای یکدیگر سوگند خوردند»^۳ و آمده است: «تا هفت روز نانِ بی‌خمیرمایه بخورید. همان روز اوّل خمیرمایه را از خانه‌هایتان بزدایید، زیرا از روز اوّل تا روز هفتم هر که چیزی با خمیرمایه بخورد، باید از میان اسرائیل منقطع شود ... هفت روز نانِ بی‌خمیرمایه بخور و روز هفتم عیدی برای خداوند خواهد بود»^۴ و آمده است: «اما روز هفتم، شَبَاتِ یهوه خدای توست. در آن هیچ کار مکن، نه تو، نه پسر یا دخترت، نه غلام یا کنیزت، نه چارپایان، و نه غریبی که درون دروازه‌های توست»^۵ و آمده است: «چون غلام عبرانی اختیار کنی، شش سال تو را خدمت کند؛ در سال هفتم، آزاد بیرون رود بی‌آنکه بهایی بپردازد»^۶ و آمده است: «با گاو و گوسفندان نیز چنین کن. نخست‌زاده‌ی آن‌ها را هفت روز نزد مادرشان نگاه دار، ولی در روز هشتم آن را به من بده»^۷ و آمده است: «و جلال خداوند بر کوه سینا ساکن گردید. آن ابر تا شش روز کوه را پوشانید، و در روز هفتم خداوند از میان ابر موسی را ندا داد»^۸ و آمده است: «آن گاه هفت چراغ برای آن بساز و آن‌ها را بر چراغدان نصب کن تا جلوی آن را روشن سازد»^۹ و آمده است: «جامه‌های مقدس هارون، پس از او از آن پسرانش خواهد بود تا در آن‌ها مسح و منصوب شوند. پسری که در مقام کاهن به جانشینی او برگزیده می‌شود و جهت خدمت در قُدس وارد خیمه‌ی ملاقات می‌گردد، باید آن‌ها را هفت روز بر تن کند»^{۱۰} و آمده است: «هر چه درباره‌ی هارون و پسرانش به تو فرمان دادم، انجام ده. هفت روز ایشان را منصوب نما»^{۱۱} و آمده است:

۱. پیدایش، ۴-۱: ۷
۲. پیدایش، ۴: ۸
۳. پیدایش، ۲۸-۳۱: ۲۱
۴. خروج، ۱۲: ۱۵ و ۱۳: ۶
۵. خروج، ۱۰: ۲۰
۶. خروج، ۲: ۲۱
۷. خروج، ۳۰: ۲۲
۸. خروج، ۱۶: ۲۴
۹. خروج، ۳۷: ۲۵
۱۰. خروج، ۳۰ و ۲۹: ۲۹
۱۱. خروج، ۳۵: ۲۹

«هفت روز برای مذبح کفاره کرده، آن را تخصیص کن. آن گاه مذبح بسیار مقدس خواهد بود و هر چه با آن تماس یابد نیز مقدس خواهد بود»^۱ و آمده است: «کاهن باید انگشت خود را در خون فرو برده، مقداری از خون را هفت بار در حضور خداوند در برابر حجاب قدس بپاشد»^۲ و آمده است: «سپس مقداری از روغن مسح را هفت بار بر مذبح پاشید، و مذبح و تمام اسباب آن و حوض و پایه‌اش را مسح کرد تا آن‌ها را تقدیس نماید»^۳ و آمده است: «هفت روز از در خیمه‌ی ملاقات بیرون نروید، تا روزهای انتصاب شما تکمیل شود، زیرا انتصاب شما هفت روز به طول خواهد انجامید»^۴ و آمده است: «سالی هفت روز، آن را به عنوان عید برای خداوند جشن بگیرید؛ این است فریضه‌ی ابدی در همه‌ی نسل‌هایتان: آن را در ماه هفتم نگاه دارید»^۵ و آمده است: «هفت روز در آلاچیق‌ها زندگی کنید؛ همه‌ی بومیان اسرائیل باید در آلاچیق‌ها زندگی کنند»^۶ و آمده است: «هر که جنازه‌ی کسی را لمس کند، تا هفت روز نجس باشد»^۷ و آمده است: «هفت هفته برای خود بشمارید. شمردن هفت هفته را از آغاز فرود آوردن داس بر زرع خود شروع کنید. آن گاه عید هفته‌ها را با تقدیم قربانی اختیاری دستان خود، برای یهوه خدایتان برگزار کنید»^۸ و آمده است: «و هفت کاهن، هفت گرنای شاخ قوچ بگیرند و پیشاپیش صندوق بروند. روز هفتم، هفت بار دور شهر بگردید و کاهنان در گرناهای خود بدمند»^۹ و آمده است: «دیگر بار بنی اسرائیل آنچه را که در نظر خداوند بد بود به جا آوردند؛ پس او ایشان را هفت سال به دست مدیان تسلیم کرد»^{۱۰} و آمده است: «صندوق خداوند هفت ماه در سرزمین فلسطینیان ماند»^{۱۱} و آمده است: «الیشع قاصدی نزد او فرستاده، گفت: >برو و هفت مرتبه در رود اردن خود را بشوی تا بدنت شفا یابد و پاک شوی< ... پس او رفت و همان گونه که مرد خدا گفته بود، هفت مرتبه در رود اردن فرو شد. ناگاه بدنش شفا یافت و همچون تن پسر بچه‌ای، پاک و تازه گشت»^{۱۲} و آمده است: «روزی هفت بار تو را می‌ستایم، برای قوانین عادلانه‌ات»^{۱۳} و آمده است: «حکمت، خانه‌ی خود را بنا کرده و هفت ستون خویش را تراشیده است»^{۱۴} و در انجیل آمده است: «سپس پطرس نزد عیسی آمد و پرسید:

۱. خروج، ۲۹:۳۷

۲. لاویان، ۴:۶

۳. لاویان، ۸:۱۱

۴. لاویان، ۸:۳۳

۵. لاویان، ۲۱:۴۱

۶. لاویان، ۲۳:۴۲

۷. لاویان، اعداد، ۱۹:۱۱

۸. تثنیه، ۱۰ و ۱۶:۹

۹. یوشع، ۶:۴

۱۰. داوود، ۶:۱

۱۱. سموئیل، ۶:۱

۱۲. پادشاهان، ۱۴ و ۵:۱۰

۱۳. مزمور، ۱۱۹:۱۶۴

۱۴. امثال، ۹:۱



<سرور من، تا چند بار اگر برادرم به من گناه ورزد، باید او را ببخشم؟ آیا تا هفت بار؟> عیسی پاسخ داد: <به تومی گویم نه هفت بار، بلکه هفتاد هفت بار>^۱ و آمده است: «عیسی پرسید: <چند نان دارید؟> گفتند: <هفت نان> آن گاه جماعت را فرمود تا بر زمین بنشینند. سپس هفت نان را گرفت و پس از شکرگزاری، پاره کرده، به شاگردان خود داد تا پیش مردم بگذارند؛ و شاگردان نیز چنین کردند. چند ماهی کوچک نیز داشتند. پس عیسی آن‌ها را برکت داده، فرمود تا پیش مردم بگذارند. همه خوردند و سیر شدند و هفت زنبیل نیز پر از خرده‌های باقی‌مانده برگرفتند»^۲ و آمده است: «اگر هفت بار در روز به تو گناه ورزد، و هفت بار نزد تو بازآید و گوید: توبه می‌کنم، او را ببخشا»^۳ و آمده است: «پس ای برادران، از میان خود هفت تن نیک‌نام را که پر از روح و حکمت باشند برگزینید تا آنان را بر این کار بگماریم»^۴ و آمده است: «از یوحنا، به هفت کلیسا که در ایالت آسیا هستند: فیض و سلامتی از جانب او که هست و بود و می‌آید بر شما باد، و از جانب هفت روح پیشگاه تخت او»^۵ و آمده است: «پس رو به عقب برگردانیدم تا بینم آن چه صدایی است که با من سخن می‌گوید؛ و چون برگشتم، هفت چراغدان طلا دیدم»^۶ و آمده است: «و در دست راستش هفت ستاره داشت و از دهانش شمشیری بُرّان و دو دم بیرون می‌آمد، و چهره‌اش چونان خورشید بود در درخشش کاملش»^۷ و آمده است: «راز آن هفت ستاره که در دست راست من دیدی و راز آن هفت چراغدان طلا این است: آن هفت ستاره، فرشتگان هفت کلیسایند، و آن هفت چراغدان، همان هفت کلیسا»^۸ و آمده است: «و از تخت، برق آذرخش برمی‌خاست و غریو غَرَش رعد. پیشاپیش تخت، هفت مشعل مشتعل بود. این‌ها هفت روح خدایند»^۹ و آمده است: «آن گاه در دست راست آن تخت‌نشین طوماری دیدم با نوشته‌هایی بر پشت و روی آن، و طومار به هفت مُهر مَهِور بود»^{۱۰} و آمده است: «آن گاه بره‌ای دیدم که گویی ذبح شده باشد، ایستاده در مرکز تخت و محصور میان آن چهار موجود زنده و پیران. هفت شاخ داشت و هفت چشم که هفت روح خدایند که به تمام زمین فرستاده شده‌اند»^{۱۱} و آمده است: «و آن هفت فرشته را دیدم که در پیشگاه خدا می‌ایستند، و به آنان هفت شیپور داده شد ... آن گاه آن هفت فرشته که آن هفت شیپور را داشتند، آهنگِ نواختن آن‌ها کردند»^{۱۲} و آمده است:

۱. مَتی، ۲۲ و ۲۱: ۱۸
۲. مَرْقَس، ۸-۵: ۸
۳. لوقا، ۴: ۱۷
۴. اعمال، ۳: ۶
۵. مکاشفه، ۴: ۱
۶. مکاشفه، ۱۲: ۱
۷. مکاشفه، ۱۶: ۱
۸. مکاشفه، ۲۰: ۱
۹. مکاشفه، ۵: ۴
۱۰. مکاشفه، ۱: ۵
۱۱. مکاشفه، ۶: ۵
۱۲. مکاشفه، ۶ و ۲: ۸

«بلکه در آن ایام که هفتمین فرشته آهنگِ نواختن شیپورش کند، راز خدا تحقق خواهد یافت، آن گونه که بشارتش را به خادمان خود، انبیاء، داده است»^۱ و آمده است: «یک نشانه‌ی عظیم و حیرت‌زای دیگر نیز در آسمان دیدم: و آن هفت فرشته بود با هفت بلای نهایی -نهایی از آن رو که با آن‌ها خشم خدا کامل می‌شد»^۲ و آمده است: «آن گاه صدایی بلند از معبد شنیدم که به آن هفت فرشته می‌گفت: <بروید و هفت پیاله‌ی خشم خدا را بر زمین فرو ریزید>»^۳ و در قرآن آمده که خداوند هفت آسمان و هفت زمین آفریده؛ چنانکه فرموده است: **«اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ»**^۴؛ «خداوند کسی است که هفت آسمان و از زمین مانند آن‌ها را آفرید» و برای دوزخ هفت دروازه قرار داده؛ چنانکه فرموده است: **«لَهَا سَبْعَةُ أَبْوَابٍ لِّكُلِّ بَابٍ مِنْهُمْ جُزْءٌ مَّقْسُومٌ»**^۵؛ «برای آن هفت دروازه است که برای هر دروازه بخشی از آنان تقسیم شده‌اند» و به پیامبرش هفت مثانی ارزانی داشته؛ چنانکه فرموده است: **«وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ»**^۶؛ «و هرآینه به تو هفت تا از مثانی و قرآن عظیم داده‌ایم» و انفاق در راه خود را مانند دانه‌ای دانسته که هفت خوشه برویاند؛ چنانکه فرموده است: **«مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ»**^۷؛ «مثل کسانی که اموال خود را در راه خدا هزینه می‌کنند مثل دانه‌ای است که هفت خوشه برویاند و در هر خوشه صد دانه باشد» و هفت دریا بر روی دریا را برای نوشتن کلمات خود ناکافی شمرده؛ چنانکه فرموده است: **«وَلَوْ أَنَّ مَا فِي الْأَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ أَقْلَامٌ وَالْبَحْرُ يَمُدُّهُ مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَةُ أَبْحُرٍ مَا نَفِدَتْ كَلِمَاتُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ»**^۸؛ «و اگر هر درختی که در زمین است قلم شود و دریا را پس از آن هفت دریا افزوده گردد، کلمات خداوند پایان نمی‌یابد، هرآینه خداوند عزیزی حکیم است» و عذاب را هفت شب بر قوم عاد مسلط کرد؛ چنانکه فرموده است: **«سَخَّرَهَا عَلَيْهِمْ سَبْعَ لَيَالٍ وَثَمَانِيَةَ أَيَّامٍ حُسُومًا»**^۹؛ «آن را هفت شب و هشت روز پی در پی بر آنان مسخّر کرد» و در مصر هفت سال فراوانی و هفت سال قحطی آورد؛ چنانکه فرموده است: **«قَالَ تَزْرَعُونَ سَبْعَ سِنِينَ دَأَبًا فَمَا حَصَدْتُمْ فَذَرَوْهُ فِي سُنْبُلِهِ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّا تَأْكُلُونَ»**^{۱۰} **«ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ سَبْعَ شِدَادٍ يَأْكُلْنَ مَا قَدَّمْتُمْ لَهُنَّ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّا تَحْصِنُونَ»**^{۱۱}؛ «گفت: هفت سال به فراوانی زراعت می‌کنید، پس هر چه درو کردید آن را در خوشه‌اش بگذارید مگر اندکی از چیزی که می‌خورید.

۱. مکاشفه، ۱۰:۷

۲. مکاشفه، ۱۵:۱

۳. مکاشفه، ۱۶:۱

۴. الطلاق / ۱۲

۵. الحجر / ۴۴

۶. الحجر / ۸۷

۷. البقرة / ۲۶۱

۸. لقمان / ۲۷

۹. الحاقه / ۷

۱۰. الحاقه / ۷

سپس بعد از آن هفت سال سخت می آیند که آنچه برایشان پیش انداخته اید را می خورند مگر اندکی از آنچه نگاه می دارید؛ همچنانکه هفتاد تن از قوم موسی علیه السلام را به حضور پذیرفت؛ چنانکه فرموده است: «وَاخْتَارَ مُوسَى قَوْمَهُ سَبْعِينَ رَجُلًا لِمِيقَاتِنَا»؛^۱ «و موسی هفتاد تن از قوم خود را برای وعده گاه ما برگزید» و هفتاد بار استغفار را بسیار دانسته؛ چنانکه فرموده است: «إِنْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ سَبْعِينَ مَرَّةً فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ»؛^۲ «اگر برای آنان هفتاد بار استغفار کنی خداوند هرگز آنان را نمی آمرزد» و ظالمان را در روز قیامت به زنجیری می کشد که هفتاد ذراع است؛ چنانکه فرموده است: «ثُمَّ فِي سِلْسِلَةٍ ذَرْعُهَا سَبْعُونَ ذِرَاعًا فَاسْلُكُوهُ»؛^۳ «سپس در زنجیری که درازای آن هفتاد ذراع است بکشیدش» و این ها همه حاکی از آن است که عدد هفت در تکوین و تشریع خداوند نقش خاصی داشته و با این وصف، تردیدی نیست که در آن حکمتی نهفته است، ولی باید از تأویلات باطنی درباره ی آن بدون دلیل عقلی یا شرعی اجتناب کرد؛ چراکه این قبیل تأویلات، گمانه زنی محسوب می شوند و فایده ی عملی ندارند.

آری، از تدبّر در کتاب های آسمانی دانسته می شود که اهمیت عدد هفت، در اصل از تکامل آفرینش خداوند در هفت روز برخاسته؛ چراکه جهان ظرفیت تکامل در هفت روز را داشته و از این رو، خداوند در هفت روز از آفرینش آن فراغت یافته؛ به این ترتیب که در شش روز آن را پدید آورده و در روز هفتم بر آن استوا پیدا کرده و این به اقتضاء پیوستگی جهان بر بنیاد تأثیر و تأثر، به انواع هفت گانگی در اجزاء آن انجامیده است؛ با توجه به اینکه اجزاء آن به تبع آن ظرفیت تکامل در هفت روز یا هفت مرحله یا هفت بخش یا هفت عدد یا هفت گونه یا هفت رنگ را داشته اند و خداوند آن ها را به قدر ظرفیت شان آفریده و گاه به اقتضاء شان احکامی را وضع کرده است. هر چند این مستلزم آن است که هر چیزی در جهان به نحوی از این هفت گانگی برخوردار باشد و این -اگرچه ظهوری ندارد- بعید نیست، بلکه روایاتی از اهل بیت در تأیید آن رسیده است؛ چنانکه به عنوان نمونه، از ابو عبد الله جعفر بن محمد علیهما السلام رسیده است که فرمود: «لَا يَكُونُ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ إِلَّا بِهَذِهِ الْخِصَالِ السَّبْعِ: بِمَشِيئَةٍ وَإِرَادَةٍ وَقَدَرٍ وَقَضَاءٍ وَإِذْنٍ وَكِتَابٍ وَأَجَلٍ فَمَنْ زَعَمَ أَنَّهُ يَقْدِرُ عَلَى نَقْضِ وَاحِدَةٍ فَقَدْ كَفَرَ»؛^۴ «هیچ چیز در زمین یا در آسمان نیست مگر با این ویژگی های هفت گانه: با مشیت و اراده و قدر و قضاء و اذن و کتاب و پس هر کس بیندارد که می تواند یکی را نقض کند، کافر شده است» و از موسی بن جعفر علیهما السلام رسیده است که فرمود: «لَا يَكُونُ شَيْءٌ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ إِلَّا بِسَبْعٍ: بِقَضَاءٍ وَقَدَرٍ وَإِرَادَةٍ وَمَشِيئَةٍ وَكِتَابٍ وَأَجَلٍ وَإِذْنٍ فَمَنْ زَعَمَ غَيْرَ هَذَا فَقَدْ كَذَبَ عَلَى اللَّهِ أَوْ رَدَّ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ»؛^۵

۱. الأعراف / ۱۵۵

۲. التوبة / ۸۰

۳. الحاقّة / ۳۲

۴. الكافي للكليني، ج ۱، ص ۱۴۹

۵. الكافي للكليني، ج ۱، ص ۱۴۹



«هیچ چیز در آسمان‌ها و یا در زمین نیست مگر با هفت چیز: با قضاء و قدر و اراده و مشیت و کتاب و اجل و اذن، پس هر کس چیزی جز این گمان برد، بر خداوند عزّ و جلّ دروغ بسته یا بر او رد کرده است.»

بدین سان پاسخ پرسش شما درباره‌ی عدد هفت، بر بنیاد عقل و شرع و در پرتو آموزه‌های علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی داده شد، ولی جای تأسف است که برخی برادران و خواهران مسلمان، وقت و نیروی محدود خود را صرف مطالعه و تحقیق درباره‌ی مسائلی می‌کنند که برای آنان ضرورت و اولویّتی ندارد، در حالی که از مطالعه و تحقیق درباره‌ی مسائل ضروری و اولی غافلند؛ مانند بیماری سرطانی که خطر مرگ او را تهدید می‌کند، ولی او از پزشک خود درباره‌ی جوش‌های صورت یا ریزش مویش سؤال می‌کند! بی‌گمان ضروری‌ترین و اولی‌ترین مسأله برای هر مسلمانی، **چگونگی دسترسی به امام مهدی علیه السلام** است و این مسأله‌ای است که اگر مسلمانی اهمّیت آن را به درستی دریابد، مسائل دیگر را از یاد می‌برد!



بایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌هاشمی خراسانی
مجلس خبرگان رهبری



www.alkhorasani.com

بایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی



* لطفاً بر روی لینک مورد نظر خود کلیک کنید.